

# لامیس جدید؛ تحلیلگر مسائل سیاسی مطرح نمود: تازمانی که اشغال ادامه دارد، مقاومت ادامه خواهد داشت.

مصاحبه



طوفان الاقصی و جنگ جدید غزه، نگاهها و تحلیل های گوناگونی را در اقصی نقاط جهان شکل داده و نگاه ویژه تحلیلگران مختلف را به سمت خود معطوف کرده است. لامیس جدید؛ تحلیلگر مسائل سیاسی که یک عرب تبار ساکن ژنو است، در گفتگو با دوماهنامه آمریکاشناسی، برایین باور بود که ماهیت جنایت کار اسرائیل در جنگ غزه آشکار شده است و تحولات اخیر منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی، زمینساز اتحاد میان کشورهای حاشیه خلیج فارس شده است.

## آیا مردم در کشورهای غربی، از اتفاقاتی که در غزه رخ داد، آگاه بودند و آیا آن‌ها می‌توانند فشار بیشتری بر دولت‌های خود برای توقف کامل این جنگ ایجاد کنند؟

مناقشه اعراب - اسرائیل برای چند دهه، به عنوان دموکراسی در برابر استبداد برای مردم کشورهای غربی به تصویر کشیده شده است. تا قبل از هفتم اکتبر، در حالی که سعودی‌ها، اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها با یکدیگر همکاری می‌کردند تا توافق ابراهیم دیگری را ایجاد کنند، غرب فکر می‌کرد که مسئله فلسطین فراموش خواهد شد. اتفاقی که پس از ۷ اکتبر روی داد و شاهد جنایت اسرائیل علیه غیرنظامیان بودیم، موضوع فلسطین را به کانون صحنه سیاسی بین‌المللی بازگرداند و رسانه‌های غربی، تلاش زیادی کردند تا این بار درگیری را به عنوان دموکراسی در حال مبارزه با تروریسم نشان دهند.

آن‌ها بر حق اسرائیل برای دفاع از خود تأکید نمودند و فراموش کردند که فلسطینی‌ها ممکن است همان حق را برای مبارزه با اشغال، تحقیر دائمی و شرایط زندگی وحشتناک داشته باشند.

غزه از ۲۰ سال پیش به عنوان یک زندان در فضای باز است؛ با وجود اینکه ارتش اسرائیل و شهرک نشینان در سال ۲۰۰۵، نوار غزه را ترک کردند، بر اساس قوانین بین‌المللی همچنان به عنوان یک سرزمین اشغالی تلقی می‌شود. واکنش نامتناسب اسرائیل که در پی آن، اقداماتی در مقیاس پاک سازی قومی در غزه رخ داد، ماهیت واقعی یک دولت آپارتاید را به جهان نشان داد و مشخص شد که فلسطینی‌ها قربانیان چندین دهه ظلم و خفقان هستند.

خسونت فزاینده اسرائیل، افکار عمومی در غرب را به طرز چشمگیری علیه این رژیم تبدیل کرد حتی صداهای خاموشی که در گذشته از متهم شدن به یهودستیزی می‌ترسیدند، بلند شروع به فریاد زدند. برخی مقامات اسرائیلی اعتراف کردند که در پی فشار خیابان‌ها در غرب، جهان عرب و حتی در بخش‌های بزرگی از آنچه که ما اکنون آن را جنوب جهانی می‌نامیم، وقتشان تمام شده است و هیچ چاره‌ای برای دولت‌های اروپایی و آمریکایی باقی نخواهد گذاشت جز اینکه فشار بیشتری برای توقف این ویرانی کامل غزه با کشته شدن هزاران غیرنظامی وارد کنند. اکنون غرب به طوری که به دنبال راه حلی سیاسی برای مناقشه فلسطین است. تنها دولت غربی که تا به امروز توانسته مسیر وقایع خاورمیانه را تغییر دهد، آمریکا است.

قدرت افکار عمومی آمریکا در گذشته، توانست جنگ ویتنام را متوقف کند؛ آیا برای غزه هم چنین امیدی وجود دارد؟! با وجود ماشین‌های رسانه‌ای غربی که تلاش می‌کنند گذشته را محو کنند و حال و آینده را آن‌گونه که دوست دارند، به تصویر بکشند، جوانان غربی اکنون می‌دانند که امنیت اسرائیل با کشتار بیشتر یا قدرت نظامی بیشتر یا پیشرفت‌های تکنولوژیکی بیشتر، سلطه و تحقیر بیشتر مردم فلسطین به جای اجرای عدالت و پذیرش راه حل دو کشور، چیزی به دست نمی‌آید؛ چیزی که هیچ یک از دولت‌های اسرائیل در ۲۰ سال گذشته آن را نپذیرفتند.

علاوه بر این، صهیونیست‌ها با تشویق به شهرک سازی در کرانه باختری، راه حل دو دولتی را تقریباً دست نیافتنی کردند. امروزه تقریباً ۵۰۰ هزار شهرک نشین در



همچنین بر سیاست‌های خارجی، روابط با متحدان و با دشمنانش در این کشور تأثیر گذاشت. بوروکراسی فراینده در بروکسل، سطح اعتماد بین کشورهای اتحادیه اروپا و همچنین بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا، روبه کاهش است. مهم‌تر از همه، بی‌اعتمادی بین ایالات متحده و متحدانش در خاورمیانه در حال افزایش است.

اتحادیه اروپا به‌عنوان یک واحد مستقل، سیاست خارجی مشترکی ندارد؛ زیرا کشورهای عضو، بیشتر دیدگاه‌های گوناگونی در مورد مسائل بین‌المللی دارند. علاوه بر این، هر کشور عضو، معتقد است که باید حاکمیت خود را در سیاست خارجی حفظ کند. وقتی صحبت از اسرائیل به میان می‌آید، آلمان به دلیل تاریخ نازی خود، بی‌قید و شرط از اسرائیل

کرانه باختری و ۲۰۰ هزار نفر در بیت المقدس شرقی زندگی می‌کنند. چه کسی آن‌ها را متقاعد خواهد کرد که خانه‌های خود را در سرزمین‌های اشغالی ترک کنند تا راه حل سیاسی ممکن شود؟

**به نظر شما دولت‌های غربی نمی‌خواهند یا نمی‌توانند جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین را متوقف کنند؟**

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهان تحت هژمونی ایالات متحده اداره می‌شود. در سال‌های اخیر، قدرت مطلق ایالات متحده و به‌طور کلی غرب، به چالش کشیده شده است. ظهور قدرت‌های دیگر، بی‌ثباتی‌های اقتصادی، همراه با تنش‌های داخلی فراوان در سطوح اجتماعی و سیاسی که بر تصویر جهانی این کشور و ظرفیت رهبری آمریکا و

خود بایدن که یک نم‌ومحافظه‌کار قدیمی است، بارها این را گفته بود که «من یک صهیونیست هستم». آنتونی بلینکن با اعلام اینکه یهودی است و حمایت کامل خود از اسرائیل را ابراز کرده است، تمام خطوط دیپلماتیک و رسمی را زیر پا گذاشته است. نتانیاهو با وجود حمایت تمام مقامات بلندپایه آمریکایی در دولت بایدن همچنان ترجیح می‌دهد که بایدن در انتخابات بعدی، به همتای خود، ترامپ ببازد. بزرگ‌ترین گروه اکثریت جوان حزب دمکرات از جمله بسیاری از یهودیان و اسرائیلی‌های آمریکایی، طرف‌دار فلسطین هستند.

لابی اسرائیل در این زمینه، نقش بزرگی ایفا می‌کند که همیشه به نفع اسرائیل نیست و گاهی در راستای اهداف قبیله‌ای یهودی‌ها است که با صهیونیست‌های مسیحی، مخلوط شده است و عمیقاً به حق اسرائیل برای داشتن زمین از دریا تا رودخانه اعتقاد دارند؛ این مسئله به شدت با راه حل دو دولت تناقض دارد.

### تحلیل خود شما از آینده جنگ غزه چیست و فکر می‌کنید چه روزهایی در انتظار خاورمیانه خواهد بود؟

از سال ۱۹۶۰، آمریکا در رابطه با غرب آسیا دو سیاست داشت: ۱- سیاست دو ستونی مبنی بر اینکه آمریکا از هر دو رژیم ایران و عربستان سعودی حمایت کند و در مقابل، از آن‌ها خواسته شد از منافع آمریکا در منطقه دفاع کنند؛ ۲- سیاست کفالت: پس از انقلاب اسلامی در ایران، برای محافظت از عربستان سعودی در برابر آنچه تهدید ایران خوانده می‌شد، این راهبرد مورد استفاده قرار گرفت.

ایالات متحده در دهه‌های اخیر، علاقه کمتری به اروپا و خاورمیانه نشان داده است و دلش تمرکز بر

حمایت می‌کند. فرانسه که درخواست آتش بس کرد، دلایل سیاسی داخلی خود را دارد؛ زیرا بعد از ایالات متحده، بزرگ‌ترین جامعه یهودی را دارد و همچنین حدود ۶ میلیون مسلمان در فرانسه زندگی و کار می‌کنند و نسبت به آنچه در غزه می‌گذرد، بسیار حساس هستند؛ بنابراین دولت فرانسه، نگران این است که مناقشه فلسطین-اسرائیل به فرانسه وارد شود؛ در حالی که کشورهای اروپای شرقی مانند مجارستان، لهستان و اسلواکی مثل همیشه کاملاً از اسرائیل حمایت می‌کنند. هیچ قدرت یا اراده سیاسی از طریق اتحادیه اروپا برای تحریم‌های تجاری علیه اسرائیل به عنوان تنها مرجعی که می‌تواند این کار را انجام دهد، وجود ندارد.

به طور خلاصه باید گفت که اروپا رهبری و قدرت سیاسی لازم را ندارد که بتواند تأثیر واقعی بر جنگ غزه داشته باشد. ممکن است اتحادیه اروپا در مرحله بعدی که زمان از سرگیری مذاکرات صلح به سمت راه حل دو کشور فرامی‌رسد، وارد عمل شود؛ بنابراین تنها یک کشور باقی می‌ماند که می‌تواند بر اسرائیل تأثیرگذار باشد و آن ایالات متحده آمریکا است. اکنون اوضاع در کرانه باختری نیز انفجاری شده است و شهرک نشینان در حال مسلح شدن هستند و همچنین جهان برای ادامه اهداف استعماری خود بر غزه متمرکز شده است؛ در حالی که تعداد کشته‌شدگان فلسطینی‌های کرانه باختری در یک ماه، بیش از ۲۰۰ نفر بوده است. گادی آیزنکوت یکی از ژنرال‌های کابینه جنگ نتانیاهو - اعلام کرد که اسرائیل نیازی به رعایت دو قاعده اصلی در قوانین درگیری مسلحانه ندارد که عبارت‌اند از: ۱- تمایز بین رزمندگان و غیرنظامیان ۲- تناسب در پاسخ.

غزه نباید یک جنگ منطقه‌ای [با رهبری] حزب الله لبنان و ایران باشد.

**با این مسئله موافق هستید که تصویر اسرائیل و افسانه شکست ناپذیری آن، به پایان رسیده است؟**  
شکی نیست که اسرائیل بعد از ۷ اکتبر مثل اسرائیل قبل نیست. داوود کوچکی که همیشه بر جالوت غول پیکر پیروز می‌شد، اکنون زیر سوال رفته است. تلفات سنگین نظامی، تعداد بی‌شمار گروگان‌ها و شکست سرویس امنیتی، شوک بزرگی است که اسرائیل باید سال‌ها برای ترمیم آن وقت بگذارد. نیروی محرکه اصلی ۷ اکتبر، به دلیل ظلم و ستم بر فلسطینیان بود و این سومین قیام فلسطینی‌ها پس از انتفاضه اول و دوم به شمار می‌آید. تا زمانی که اشغال ادامه دارد، مقاومت ادامه خواهد داشت.

رویارویی خود با چین است. این تغییر ژئوپلیتیک به سمت اقیانوس آرام، به طور چشمگیری در پی دو بحران بزرگ یعنی جنگ اوکراین و جنگ غزه متوقف شد. این خلأ نسبی، فضایی را برای چین و روسیه ایجاد کرد تا احتمالاً نقش بیشتری در منطقه ایفا کنند. اینکه آیا این اتفاق خواهد افتاد یا خیر، بستگی به ظرفیت برخی از قدرت‌های متوسط نوظهور منطقه‌ای در خاورمیانه یعنی کشورهایی مانند عربستان سعودی، ایران و همچنین ترکیه و امارات، برای پذیرش مسئولیت‌های خود دارد. روشن است که مرکز ثقل در جهان عرب، از شرق نزدیک، به کشورهای خلیج فارس منتقل شده است.

بحران، زمینه تغییر اتحادها را ایجاد می‌کند. به تازگی سازمان همکاری‌های اسلامی در ریاض، نشست را برگزار کرد که دو رقیب و رهبران سنی و شیعه را گرد هم آوردند و حمایت آمریکا از اسرائیل را محکوم و خواستار آتش‌بس در غزه شدند. بدون شک محمد بن سلمان می‌خواهد پویایی خود در منطقه را حفظ کند که قبل از ۷ اکتبر، سیاست تنش‌زدایی با ایران، عادی‌سازی با اسرائیل و تقویت پیمان امنیتی با واشنگتن را آغاز کرد. او چشم اندازی برای کشورش و منطقه دارد و امیدوار است جهان سنی را رهبری کند. به دلیل خشونت فزاینده در منطقه، «راه حل دو دولت»، به یک ضرورت تبدیل شده است و در غیر این صورت، کل منطقه تا ۱۰ سال آینده وارد جنگ خواهد شد. این ابتکار باید توسط جامعه بین‌المللی پیگیری شود؛ زیرا اسرائیل و فلسطین به تنهایی توانایی برقراری صلح را ندارند. با افزایش خشونت، نفرت دو طرف از یکدیگر در حال افزایش است. به نظر می‌رسد همه در منطقه موافق هستند که جنگ